

سهم بخش خصوصی از اقتصاد؛ لقمه‌ای کوچک از سفره‌ای بزرگ



بیشتر شود باید اهداف مورد نظر، خود را در قوانینی مانند قانون برنامه هفتم توسعه و ذیل آن قوانین بودجه سالیانه که اجرایی تر و عملیاتی تر هستند، نشان دهند. از سوی دیگر بودجه‌های مورد نیاز در حوزه تعاون مانند آموزش و بودجه‌هایی که در ترویج نیاز است، مسئله تسهیلات و یا بارانه‌ای که باید برای این کار دیده شود باید قطعاً در این اسناد و قوانین دیده شود. همچنین باید برای مواردی مانند تقویت و پشتیبانی تعاونی‌ها، صندوق حمایتی که وجود دارد و بانک تعاون به عنوان یک بانک تخصصی فکری کرد و تدبیری اندیشید. به عنوان مثال بانک توسعه تعاون نیازمند این است که سرمایه‌اش افزایش پیدا کند، چون در صورت عملی شدن این افزایش سرمایه، توان تسهیلات دهی آن بالاتر می‌رود و کمک خواهد کرد. او ادامه می‌دهد: «اکنون بر خورد بانک‌ها با مجموعه بخش تولید و غیردولتی‌ها -مخصوصاً اگر تولیدی باشد- نه تنها حمایتگرانه نیست بلکه تا حدی سختگیرانه است. تازه با تعاونی‌ها سخت تر رفتار می‌شود. در این راستا باید اکیدا به بانک‌ها تکلیف کرد تا به اجرای قانون متعهد و پایبند

نقش بخش خصوصی و تعاونی‌ها در اقتصاد باشیم؟ این گونه پاسخ می‌دهد: «اصولا باید همان ابتدا با برنامه آسیب‌شناسی که انجام می‌شود و ایراداتی که بخشی از آن را گفتم، راهکارهایی پیدا کنیم که در سند توسعه بخش تعاون، هدف رسیدن به سهم تعاون در کلیت اقتصاد است. حضور بخش خصوصی و تعاونی‌ها در اقتصاد محدود است به گونه‌ای که گفته می‌شود مالکیت ۸۰ الی ۸۵ درصد اقتصاد در دست دولت است و تعاونی‌ها و بخش خصوصی هم در ۱۵ الی ۲۰ درصد باقی مانده سهم دارند.» خالق‌ی ادامه می‌دهد: «دولت‌ها لزوم آن را ندیده‌اند که مالکیت و مداخلات‌شان را در اقتصاد کوچک کنند و این جزو کارهای ابتدایی است که می‌توان برای این بخش انجام داد.» او می‌افزاید: «نهاد دولت باید نسبت به واگذاری‌هایی که دارد سهم بخش تعاونی را هم ببیند و برای اینکه سهام خود را واگذار کند و مالکیتش را در شرکت‌ها و بخش‌های اقتصادی کم کند باید در واگذاری‌ها، تعاونی‌ها را در نظر بگیرد. از سوی دیگر باید بازنگری در شکل‌گیری شرکت‌های تعاونی صورت گیرد،



در ماده (۶) برنامه هفتم توسعه دولت مکلف شده است، تصدی‌گری فعالیت‌هایش را به نحوی به بخش‌های مردمی منتقل کند. یک‌سری هم احکام انضباطی آوردیم که حتماً باید این کار انجام شود و اگر نشود، سازمان خصوصی‌سازی می‌تواند خودش مستقلاً ورود کند و بحث مردمی‌سازی را انجام دهد

شده و تن بدهند. این بدان معناست که تسهیلاتی که به تعاونی‌ها داده می‌شود باید به گونه‌ای باشد که بهره و سود بانکی متناسب‌تری داشته باشد و حتی با قیود و شروطی باشد که سرمایه بانک‌ها هدر نرود. این‌ها مواردی هستند که می‌تواند به این هدف کمک کند.» این عضو هیأت‌مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت ایران اضافه می‌کند: «تعاونی‌ها اگر ورود کنند مکمل بخش خصوصی هستند و باید آن‌ها را در امتداد بخش خصوصی قرار داد نه در مقابل هم. اتاق‌های سه‌گانه یعنی اتاق تعاون، اتاق بازرگانی و اتاق اصناف در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کنند. این سه باید بیشتر با یکدیگر همکاری داشته باشند. به عبارت دیگر قاعدتاً در برنامه‌ای که وجود دارد، تعاونی‌ها باید نقش بیشتری پیدا کنند. تحقق این هدف کار خاص می‌خواهد که موضوع تسهیل‌گری و ترویج رانیز در کنار خود دارد. با روش تسهیل‌گری می‌توان تعاونی‌ها را مشارکت داد و علاقه‌شان را نسبت به موضوع جلب کرد.» به گفته خالق‌ی، این‌ها وقتی می‌تواند اتفاق بیفتد که مشوق‌های بزرگ و قابل مشاهده وجود داشته باشد. این بسته مشوق تعاونی اگر در اختیارشان باشد در کارهای بزرگ و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ هم می‌توانیم شاهد باشیم شرکت تعاونی‌های موفق شکل بگیرند. موضوع حساس فقط موضوع فی‌مابین شرکاست؛ به عنوان مثال شما با سرمایه بزرگ صد میلیاردی و من با سرمایه ۱۰ میلیاردی می‌آییم. اگر قرار باشد در شرکت آرای ما با هم برابر باشیم، انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاران وجود نخواهد داشت، چون در مجمع تصمیم‌گیری آدم‌هایی که سرمایه و پول بیشتری آورده‌اند شاید سود بیشتری ببرند اما در تصمیم‌گیری‌ها، آراءشان با دیگر اعضا برابر است. این احتیاط‌ها به وجود می‌آید که در سرمایه‌گذاری‌ها ورود نکنند، چراکه اختیار سرمایه‌شان را ممکن است از دست بدهند و مدیریت سرمایه‌شان در اختیار افراد دیگر قرار بگیرد.

چراکه به عنوان مثال بعد از هدفمندی یارانه‌ها دولت سهام خود را به بخشی از شرکت‌های تعاونی واگذار کرد اما این شرکت‌ها نتوانستند آن‌طور که باید قدرت گرفته یا شکل بگیرند و این خود معضلی شد و نتوانست تجربه خوبی را به مردم نشان دهد که تعاونی‌ها می‌توانند موفق باشند. به عبارت دیگر مشکلات و اختلافاتی بین اعضا به وجود آمد و تجربه و سابقه تعاونی را خدشه‌دار کرد. بنابراین این موضوع نیاز به بازبینی دارد و با توجه به مشکلاتی موجود در این حوزه باید با مشارکت خود تعاونی‌ها و سرعت دادن به حل اختلافات فی‌مابین اعضای تعاونی‌ها کاری انجام داد تا تعاونی‌ها گرفتار موضوعات داخل سازمانی نشوند و به کار اصلی‌شان که فعالیت اقتصادی است، برسند. اگر این موضوع را حل کنند به آن فضایی که دولت باید برای حضور بخش تعاونی در اقتصاد باز کند کمک می‌شود. در این زمینه دولت در مسئله مولدسازی که مطرح کرده باید بخش تعاونی را ببیند و سهم آن را در نظر بگیرد.»

نقش پررنگ وزارت تعاون

خالقی در پاسخ به سؤالی درباره صحبت‌های اخیر رئیس‌جمهوری در زمینه خصوصی‌سازی اقتصاد، اضافه می‌کند: «در این زمینه حتی اگر نیاز است باید اصلاح قانون انجام شود، اما مهم این است که بخش دولتی و متولی اصلی که در اینجا وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است، نقش خود را به درستی در راستای تحقق این هدف ایفا کند. این وزارتخانه نقش مهمی دارد و باید با مشارکت تشکلی‌های فراگیر بخش تعاون مانند اتحادیه تعاونی‌ها و اتاق تعاون به سرعت بازبینی‌های لازم را انجام دهد و ایرادات موجود را با کمک فکری استخراج کند.» او می‌گوید: «از سوی دیگر باید به این موضوع هم اشاره کرد که در حال حاضر در مرحله تدوین قانون برنامه هفتم توسعه هستیم و این موضوع باید در برنامه هفتم بیاید، چراکه اگر می‌خواهیم نقش تعاونی‌ها در اقتصاد بیشتر و

انجام شود و اگر نشود، سازمان خصوصی‌سازی می‌تواند خودش مستقلاً ورود کند و بحث مردمی‌سازی را انجام دهد. البته این را هم بگویم که خصوصی‌سازی به معنای واگذاری سهام نیست. گاهی دولت می‌تواند آن شرکت و سهامش را حفظ کند اما مدیریت را به بخش خصوصی واگذار کند.»

حضور محدود بخش خصوصی در اقتصاد

از سوی دیگر آرمان خالق‌ی، عضو هیأت‌مدیره خانه صمت ایران در گفت‌وگو با «آتی‌نو» در این باره می‌گوید: «قانون اساسی اقتصاد را به سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی تقسیم کرده است. دو بخش خصوصی و تعاونی سهم به مراتب کوچک‌تری از سهم دولت دارند و همچنان دولت مالکیت و مداخلتش را در اقتصاد کمتر نمی‌کند. اما هر چه دولت با پس بکشد، سهم خود را کمتر کند، در جایگاه یک دولت ناظر، سیاست‌گذار و برنامه‌ریز قرار بگیرد و از مداخله مستقیم در اقتصاد دست بردارد، جا برای بخش خصوصی و تعاونی باز تر می‌شود. این جزو کارهای ابتدایی است که می‌توان برای این بخش انجام داد، دولت باید نسبت به واگذاری‌هایی که دارد سهم بخش تعاونی را هم ببیند.» این کارشناس مسائل اقتصادی درباره نقش و سهم بخش خصوصی و تعاونی‌ها در اقتصاد این گونه می‌گوید: «تعاونی‌ها شرکت‌هایی هستند برای مشارکت بین افرادی که قرار است با هم یک کار اقتصادی را شکل دهند و ترکیبی از کارهای اجتماعی را در قالب شرکت‌های تعاونی انجام دهند. چنین مجموعه‌ای با دیگر اشکال تشکلی‌ها متفاوت است. همین مسئله باعث شده در کشور برای تشکیل تعاونی حداقل هفت سهام‌دار داشته باشیم. این‌ها حق رأی مساوی با یکدیگر دارند، اما در شرکت‌های سهامی عام، اعضا بر مبنای سهامی که دارند حق رأی دارند. این تفاوت باعث شده استقبال از تعاونی‌ها

کم باشد.» او می‌افزاید: «همچنین با توجه به اینکه در کار مشارکتی تمایل و توفیق چندانی نداریم و فرهنگ کار شراکتی در کشور چندان جا نیفتاده، بنابراین سهم تعاونی‌ها هنوز بر خلاف آنچه در برنامه‌های توسعه‌ای پیش‌بینی شده، محقق نشده و سهم شرکت‌های تعاونی در کشور پایین است.»

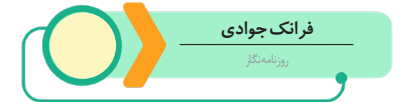
خالقی ادامه می‌دهد: «حل این مسئله نیاز به آسیب‌شناسی دارد. برای اینکه بحث تعاونی‌ها را جا بیندازیم لازم است در نظر بگیریم اهمیت آن‌ها به اندازه‌ای بالاست که در قانون مورد توجه ویژه قرار گرفته است. همچنین برای اینکه تعاونی‌ها توسعه پیدا کنند تسهیلاتی در قوانین و مقررات برای آموزش، ثبت سهام و شکل‌گیری‌شان در نظر گرفته شده است. طی سال‌های گذشته موضوعات بسیاری پیش‌بینی شده و قانون‌گذار حتی برای برخورداری از تسهیلات بانکی و اعتباری هم امتیاز برای شرکت‌های تعاونی قائل شده، اما همه اقدامات برای توسعه بخش تعاون کفایت نمی‌کند.»

۸۰ درصد اقتصاد در دست دولت

این عضو هیأت‌مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت ایران در واکنش به سؤالی مبنی بر اینکه چه اقداماتی باید در دستور کار دولت‌ها و تعاونی‌ها قرار گیرد تا شاهد افزایش



بخش خصوصی در اقتصاد کشور سهم کوچکی دارد و به گفته بسیاری از کارشناسان اقتصادی، دولت برای تقویت این حوزه، باید در وهله نخست دست از تصدی‌گری در اقتصاد بردارد و بخش خصوصی و تعاونی‌ها را وارد میدان کند. امری که پیش از این و در دولت‌های مختلف از سوی رؤسای جمهور وقت بارها و بارها مورد تأکید قرار گرفته است.



خصوصی شدن و مردمی شدن اقتصاد جزو اهدافی است که همواره در قانون و اسناد بالادستی به آن اشاره شده و به گواه کارشناسان تاکنون این هدف محقق نشده و بزرگ‌ترین مجری پروژه‌ها و فعال اقتصادی کشور، دولت است. درباره نقش تعاونی‌ها باید گفت به عنوان یکی از بخش‌های اقتصادی غیردولتی، برخلاف آنچه در قانون و اسناد بالادستی آمده، این نقش در اقتصاد کم و پایین است، تا جایی که حتی رئیس‌جمهوری مردمی در سال گذشته از لزوم بازنگری این سند در راستای ایفای هرچه بهتر نقش تعاونی‌ها در اقتصاد تأکید کرد. سید ابراهیم رئیسی با اشاره به اینکه باید گام‌های بیشتری برای نقش دادن به تعاونی‌ها و مردم در اقتصاد برداریم و این امر نیازمند بررسی موانع پیش روی تعاونی‌هاست، گفت: «هر جا به مردم میدان داده‌ایم نتایج آن را دیده‌ایم. بنابراین تصدی‌گری دولت در اقتصاد باید روز به روز کاهش یابد و دولت به حمایت، هدایت و نظارت در اقتصاد مشغول باشد.» رئیس‌جمهوری



با تصدی‌گری دولت در اقتصاد، بخش خصوصی و مردمی معمولاً رشد نمی‌کنند؛ چراکه توان رقابت با دولت را ندارند

با تأکید بر خصوصی‌سازی و مردمی‌سازی اقتصاد می‌گوید: «افزایش رقابت‌پذیری در تعاونی‌ها باید مورد توجه باشد. ارائه خدمات بیشتر و تولید بهتر در تعاونی‌ها به رشد اقتصاد کشور کمک فراوانی می‌کند.»

اقتصاد دولتی و امکان ایجاد رانت

در این میان محسن زنگنه، سخنگوی کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «آتی‌نو» در این باره می‌گوید: «اصولاً دولت‌ها نباید به تصدی‌گری ورود کنند؛ امری که سبب می‌شود بهره‌وری کاهش یافته و از سوی دیگر امکان ایجاد رانت به وجود آید. همچنین با تصدی‌گری دولت در اقتصاد بخش خصوصی و مردمی معمولاً رشد نمی‌کنند، چراکه توان رقابت با دولت را ندارند.» او می‌افزاید: «بر همین اساس در برنامه هفتم توسعه دولت را مکلف کردیم تا جایی که می‌تواند از تصدی‌گری خارج شود، یعنی شرکت‌های دولتی را واگذار کند و صندوق‌ها را به نحوی ادغام کند تا از تصدی‌گری صندوق‌های کشوری و لشکری خارج شود و بیشتر سهام‌داری و مدیریت سهم کند.»

این نماینده مجلس ادامه داد: «در ماده (۶) برنامه هفتم توسعه دولت مکلف شده است، تصدی‌گری فعالیت‌هایش را به نحوی به بخش‌های مردمی منتقل کند. در این میان ما یک‌سری احکام انضباطی آوردیم که حتماً باید این کار

یادداشت



بخش خصوصی تنها راه نجات کشور است



مقام معظم رهبری در شعارهایی که در ابتدای سال هدف‌گذاری می‌کنند بیشتر بر مسائل اقتصادی و تولیدی تأکید دارند. اصل (۴۴) هم یکی از مباحثی است که دولت باید نظارت خود را بر آن اعمال و زیرساخت‌ها و بسترها را ایجاد کند و بقیه آن را به بخش خصوصی بسپارد.

این اتفاق شاید در کشور ما افتاد اما موفق نبود، نتوانستیم به خوبی مدیریت و راهبری کنیم اما می‌توان به جرأت گفت که توجه به این امر نشأت گرفته از مباحثی است که مقام معظم رهبری به همه دولت‌ها گوشزد می‌کند. بخش خصوصی راه نجات کشور است. البته در این میان باید برای بخش خصوصی راهبر، هدف، امنیت، احساس اطمینان اقتصادی و... فراهم باشد. اگر کسی تحت عنوان بخش خصوصی سرمایه‌گذاری می‌کند باید عایدی و امنیت داشته باشد و مسیر برایش باز باشد. در مجلس شورای اسلامی اقداماتی در دستور کار قرار گرفته که این مسیر برای بخش خصوصی تا حدود زیادی هموار شده؛ از جمله آن می‌توان به مجوزهای کسب و کار و شرکت‌های دانش‌بنیان اشاره کرد که جزو قوانینی بوده که نمایندگان آن را تصویب کرده و در این مسیر قرار داده‌اند. بنابراین واقعاً باید بخش خصوصی را با قدرت پشتیبانی و تقویت کنیم. کشورهای توسعه‌یافته، بخش خصوصی خودشان را تقویت کردند و سرمایه‌ای که از صادرات و درآمدهایی که از منابعی مانند منابع معدنی و نفتی دارند را در زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند. بدین ترتیب برای بخش خصوصی جذابیت ایجاد می‌کند که برای سرمایه‌گذاری اقدام کند. در کشور ما گرچه اقداماتی انجام شده اما همچنان عقب هستیم. اگر نگاهی به کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بیندازیم، متوجه می‌شویم که آن‌ها سرمایه‌گذاری را در راستای ایجاد جذابیت برای بخش خصوصی انجام داده‌اند و از سوی دیگر موانع بر سر راه بخش خصوصی را برداشته‌اند. اگر این کار را انجام دهیم مسلماً موفق خواهیم شد. باید این‌ها را ببینیم که عقب هستیم و نتوانستیم آنچه در دیدگاه و هدف مقام معظم رهبری است را پیاده کنیم و به مرحله عمل برسانیم.

راه نجات کشور بخش خصوصی بوده و فرقی ندارد این بخش خصوصی داخلی باشد یا خارجی. در داخل کشور سرمایه‌گذاران بسیاری هستند که سرمایه‌های هنگفتی دارند، اما گلایه دارند و برای‌شان موانعی ایجاد شده است. بنابراین همه قوا باید به میدان بیایند و موانع را بردارند؛ موانعی چون این بوروکراسی اداری که به شدت در کشور بیداد می‌کند. تا وقتی سرمایه‌گذار به کشور ما بیاید و ببیند اگر در ایران سرمایه‌گذاری کند نه تنها سود خوبی به دست خواهد آورد بلکه امنیت اقتصادی در این کشور وجود دارد.

یکی از مشکلاتی که امروز با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنیم این است که سرمایه‌گذار، سرمایه خود را از کشور خارج می‌کند. این بدان معناست که ارز از کشور خارج می‌شود اما اگر سرمایه‌اش را در داخل هزینه کند باعث ایجاد اشتغال در کشور خواهد شد، ارزش افزوده ایجاد شده و نهایتاً با پدیده‌ای به نام توسعه اقتصادی مواجه خواهیم شد. در واقع در نتیجه آن تجارت و اقتصاد تقویت می‌شوند لذا باید همه قوا (مقننه، قضاییه و مجریه) به میدان بیایند و از تحقق این هدف حمایت کنند.

در برنامه هفتم توسعه حمایت از بخش خصوصی دارای احکامی است که دولت بیش از پیش بتواند از بخش خصوصی حمایت کند. بانک‌ها باید به این مسئله ورود پیدا کنند و به جای بنگاهداری و حمایت از شرکت‌های زیرمجموعه خودشان به سمت حمایت از بخش خصوصی حرکت کنند.